

ملاحظاتى رهيافتى از فلسفه تاريخ

ابوعلى احمد مسكويه رازى

فاطمه جان احمدى *

چكیده

برآيند نگاه متفاوت ابو على احمد بن محمد مسكويه رازى (م ۴۲۱ق) به پردازش تاريخ، ارائه نوعى تفسير و تبیین انتقادى تاريخ و بيان گونه‌اى فلسفه تاريخ بود. شیوه جديدى كه او از تلفيق و التقاط میان سه بينش تاريخى يا سنت تاريخ نگارى ايرانى و يونانى و اسلامى آفرید، بيانگر رويکرد آگاهانه و هدفمندی است كه در سير نگارش حوادث تاريخى و نوع نگاه نقادانه وى به رخدادها بسیار مؤثر بود. رهيافت بينش نقادانه او از يك سو عصاره فهم و ذكاوت تجربه گرايانه وى، از ديگر سو برآيند نگرش فلسفى و اخلاقى عملگرايانه او در تبیین حوادث تاريخى بود.

بررسى دقيق كتاب تاريخى او كه با نام پرمایه «تجارب الامم و تعاقب الهمم» آراسته است، نشان مى دهد كه ابو على مسكويه رازى، افزون بر ارائه نظام نظرى كل گرايانه مبتنى بر چگونگى تحول جوامع انسانى متفاوت با نگاه اسلاف خود، به طرح فلسفه انتقادى تاريخ به بهترين وجه نظر دارد.

اين نوشتار بر آن است تا ضمن بررسى اسلوب و دیدگاه تاريخ نويسى مسكويه رازى، در خلال كتاب پيش گفته به نخستين بارقه‌هاى جامعه‌شناسى تاريخى و روان‌شناسى تاريخى و در يك كلام، فلسفه تاريخ از منظر او بپردازد.

واژگان كليدى: ابو على مسكويه رازى، تجارب الامم، فلسفه تاريخ.

* عضو هیأت علمی گروه تاريخ دانشگاه الزهراء (ع)

میراث معرفتی که امروز تاریخ بشر خوانده می‌شود، تکاپوی سیر اندیشه‌ورانی است که برای ثبت و ضبط حوادث تاریخی و آنچه بر نوع انسان گذشته، صورت پذیرفته است. نگاه بشری یا تأمل الهی مسلط بر بینش مورخ، در چگونگی ثبت و پردازش این حوادث بسیار مؤثر است. رویکرد مورخان مسلمان و معرفت تاریخی ایشان که مؤید رهیافت نگرش الهی است، در شکل دهی به تاریخ یا جان دادن به حوادث گذشته و ثبت رخدادهای مهم، آن‌چنان تعیین کننده است که می‌توان به‌خوبی سبک نوی از تأمل آگاهانه و هدفمند را در سیر ثبت حیات گذشته انسان‌ها دریافت.

میان ادوار گوناگون تاریخ اسلام، قرون چهارم و پنجم قمری ویژگی‌ها و امتیازهای برجسته‌ای دارد. تبلور اندیشه‌های عقلانی - فلسفی و اخلاقی با آمیزه‌های دینی و اسلامی وجود طبقه‌ای از دانشمندان فرهیخته ایرانی چون ابن سینا، بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابوحنیف توحیدی، شریف رضی و ابوالفرج اصفهانی، ابویعقوب کلینی، شیخ صدوق (ابن بابویه) و دیگران را در پی داشت.

از میان این مشاهیر صاحب نام، احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه* رازی (۳۲۵/۳۲۰ - ۴۲۱هـ) (الامین، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۱۲ و الحموی، بی‌تا: ج ۵، ص ۵ و ۱۹۴۳، Hamid) فیلسوف، حکیم، طبیب، ادیب، مورخ گرانقدر اسلامی خوش درخشید (دی بور: ۱۳۶۲ - ص ۱۳۶ و ابن اصیبه، ۱۹۶۵: ص ۳۳۱ و خوانساری، ج ۱، ص ۴۴۴ و زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۲۱۲ - ۲۱۱ و شریف، ۱۳۵۹، ص ۱۷۲، خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۰: ص ۳۵ و محمدعلی مدرس، بی‌تا: ج ۸، ص ۲۰۷). حاصل تلاش و مجاهده فکری او در کتاب تجارب الامم و تعاقب الهمم** به‌خوبی متجلی است. با مطالعه دقیق این اثر می‌توان به‌درستی به

*. مُشک + اویه (moshk + uye) کلمه‌ای است که اصل آن سانسکریت muska بوده و مصغر mus در فارسی و به معنای موش است. در یونانی moskos و در لاتین muskus به معنای ماده‌ای معطر و معروفی است که از ناف آهوی مشک می‌گیرند. اگر آن را مشک بخوانند، به معنای ظرفی است که از چرم گوسفند یا بز برای حمل یا نگهداری مایعات می‌سازند. جزء دوم آن (اویه) است که برای بیان صفت یا نسبتی برای تضرع است.

** محمد باقر خوانساری پسوند تجارب الامم را تعاقب الهمم نامیده است، ببینید: *روضات الجنات فی احوال العلماء السادات*، تهران، اسلامیه، ۲۵۳۶ و برخی دیگر آن را تجارب الامم و عواقب الهمم نامیده‌اند. ابو سلیمان محمد بن طاهر سجستانی: ۱۹۷۴، ص ۳۴۷؛ اما دکتر امامی ادامه نام را

گستره دید و تبحر علمی نویسنده پی برد. امتزاج های دینی و اخلاقی و دانسته های فلسفی مسکویه، اثر بی بدیلی را خلق نمود که نه تنها محتوا که حتی نام آن نیز با سایر کتاب های تاریخی پیشینیان متفاوت بود. از آنجا که شالوده این کتاب بر بنیاد تفکر نوین عقلانی برخاسته از آموزه های دینی و اخلاقی نویسنده قرار گرفت، مؤلف تلاش نمود تا با نگاهی تحلیلی و تعلیلی به جستجوی علل و عوامل حوادث پردازد و به حیات ارگانیک و قانونمند تمدنها و جوامع بشری بویژه جامعه اسلامی توجه نماید.

۱۲۵

تسلط او بر علوم چون فلسفه، ادبیات، روان شناسی، جامعه شناسی، تاریخ و حتی جغرافیا باعث شد تا آثارش اهمیت و امتیاز ویژه ای داشته باشد و گوی سبقت را از هم طرازانش بریاید. متأثر بودن مسکویه از اندیشه ملی گرایی و تعلق به آب و خاک ایرانی وی را برآن داشت تا سرمطلع کتاب خویش را با سلسله های ایرانی اسطوره ای چون پیشدادیان آغاز کند.

رهیافت تاریخ نگارانه وی بی مطالعه سایر کتاب هایش چون *تهذیب الاخلاق* یا *جاودان خرد و فوزالاکبر و فوزالاصغر و طهارة الاعراق* مقدور نیست؛ زیرا بسیاری از آموزه های دینی و اخلاقی و برداشت های درست تاریخی وی که البته *تجارب الامم* به دلیل ویژگی نگارشی و موضوعی تاب تحمل ثبت آن را نداشت، در سایر کتاب های پیش گفته آمده است. دریافت و درک نگاه نقادانه او به شیوه پردازش تاریخ، اسلوب و روشی نو را در طراحی و گزینش اخبار تاریخی پدید آورد. در این جستار، تلاش بر این است تا این نوع نگاه به صورت سرمطلع فیلسوفان تاریخ نگار، تبیین، و شیوه نگرش فلسفی مسکویه به تاریخ بررسی شود.

رهیافت های علمی مسکویه

بی تردید، بررسی عالمانه آموزه ها و دانسته های ابوعلی احمد مسکویه هرچند به شکل اجمالی؛ می تواند در تبیین دقیق آرای علمی و بینش تاریخی او مؤثر باشد؛ زیرا بررسی و تشریح نوع نگاه یا کیفیت آرای وی به دلیل وسعت دامنه دانش او از علم النفس و اخلاق گرفته تا طب و فلسفه برای فهم دیدگاه تاریخی و تشریح طرح فلسفه تاریخ وی ضروری و با اهمیت به نظر می رسد. بنابراین در آغاز ارایه تصویری کلی از آموزه ها و دانسته های او در علوم مختلف الزامی است.

ساختگی می داند و معتقد است که این بخش جزو نام کتاب مسکویه نیست. *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، ۱۳۶۹: مقدمه مترجم، ص ۳۸ و ۳۹.

آموزه‌های فلسفی مسکویه

میان خدمات شایان توجهی که مسکویه به تاریخ و علوم زمان خویش کرد، باید سهم بسزای وی را در شکوفایی فلسفه و اخلاق نیز ستود. به دلیل همین تمرکز فعالیت‌های عمده وی در بخش فلسفه اخلاقی، او را فیلسوفی اخلاقی و ادیبی متفکر نامیده‌اند.

آثار و مکتوبات بسیار غنی ابوعلی در زمینه فلسفه (یاقوت الحموی، ج ۵، ص ۱۰ و سجستانی، ۱۹۷۴: ص ۳۴۷ و زرکلی، ۱۹۸۶: ج ۱، ص ۲۱۲، خوانساری، ج ۱، ص ۴۴۱-۴۴۷ و مقدمه تهذیب الاخلاق، ص ۱۹-۲۲) چون ترتیب السعاده (و اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۲ و صوان الحکم، ص ۳۴۷). و الهوامل و الشوامل* و فوز الاصغر (جاویدان خرد، مقدمه، زرکلی، ج ۱، ص ۲۱۲ و تهذیب الاخلاق، ص ۱۹ و اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۲) و اجوبه و اسئله فی النفس و العقل (أعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۳) و الجواب فی المسائل الثلاث (کتابخانه مجلس، نسخه خطی، ج ۲، شماره ۶۳۴ و ذبیح الله صفا، ص ۳۰۱) مؤید بینش فلسفی او است؛ به ویژه کتاب فوز الاصغر که به لحاظ مفهومی به قسمت‌های اولیه کتاب آراء اهل مدینه فاضله فارابی شباهت بسیار دارد (میان محمد شریف، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۶۶۸). این کتاب به سه بخش عمده تقسیم شده است. بخش نخست به بررسی ادله وجود و اثبات خدا، بخش دوم به روح و وجوه گوناگون آن و بخش سوم به نبوت پرداخته است.

به طور کلی، این اثر روایت موجزی از حکمت نوافلاطونی، و به لحاظ زمانی بر کتاب نجات ابن سینا مقدم است (فخری ماجد، ۱۳۷۲: ص ۲۰۴)؛ البته به لحاظ روش و موضوعات طرح شده تفاوت‌های معتابهی میان اثر او و آثار ابن سینا و فارابی وجود دارد؛ چنان‌که وی علوم عقلی را به ترتیب ریاضیات، منطق، طبیعیات، مابعدالطبیعه دانسته؛ حال آن‌که در سنت و منظر نوافلاطونی‌های اسلامی نظیر ابن سینا و فارابی به طور معمول منطق مدخل مطالعه سایر علوم عقلی قرار می‌گیرد (فخری ماجد، ۱۳۷۲: ص ۲۰۵). در توضیح این مطلب، نظر دبور (DeBore) جالب توجه است. وی در کتاب خود به نام تاریخ فلسفه در

۱۲۶

تجرب

سال یازدهم / زمستان ۱۳۸۵

*. هوامل به معنای شترانی که برای چریدن رها شده‌اند و شوامل یعنی چارپایانی که نگاهبان و جمع کننده شتران رها شده‌اند کاربرد یافته است. هوامل به پرسش‌های ابوحنیف توحیدی اطلاق شده؛ در حالی که مسکویه پاسخ‌های آن را شوامل نامیده است و از ترکیب پرسش‌های ابوحنیف و پاسخ‌های مسکویه کتابی پدید آمد به نام الهوامل و الشوامل که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، فلسفی، روان‌شناسی، ادبی، کلامی و جز آن اطلاعات ارزنده‌ای را شامل است. برای اطلاع بیشتر ببینید: اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۲.

اسلام، آرای فلسفی فارابی و ابن سینا را به تفصیل باز می‌کند؛ ولی در بیان فلسفه مسکویه فقط به آموزه‌های اخلاقی او بسنده می‌کرده، با اشاره به گرایش‌های ناسیونالیستی وی می‌نویسد: من در این مقام فلسفه اولی ابن مسکویه را که مسلماً منظم‌تر از فلسفه اولی فارابی است، به بیان می‌کشم و نیز به جای جنبه نو افلاطونی ابن سینا خدمت اصیل او را به فلسفه کشورش پیش می‌نهم (دیبور، ۱۳۶۲: ۱۳۹).

جالب توجه است که مسکویه در بحث‌های فلسفی خود می‌کوشد با تقریب میان آرای افلاطون، ارسطو و افلوپین، آرای آن‌ها را به هم نزدیک، و توافق آرای آن‌ها را با آموزه‌های انبیا اثبات کند؛ به همین دلیل در بخش‌های گوناگون این کتاب، مطالب بسیاری را از آنان نقل، و آشکارا گرایش‌های نو افلاطونیان را متجلی می‌کند؛ هرچند تمایلات و آموزه‌های مورخانه به همراه جهان‌بینی تئوکراتیک وی در نتیجه‌گیری و استدلال‌های فلسفی او به شکل برجسته‌ای نمایان است.

آموزه‌های روان‌شناسی مسکویه

متأثر از دانسته‌ها و آموخته‌های طبّی (قفطی، ۱۳۲۶: ص ۳۳۱) و روان‌شناسی مسکویه نام و آوازه‌ای درخور در زمینه علم النفس یافته است. با تأملی اندک در مجموعه آثار وی می‌توان دریافت که روان‌شناسی مسکویه همچون فلسفه بر پایه مذهب روحی قدیم یا روش افلاطون و ارسطو استوار بوده است. شالوده کتاب *فوز الاصحغر* و *یا تهذیب الاخلاق* بر بنیاد دانسته‌های روان‌شناختی سامان گرفت.

مسکویه در این آثار می‌کوشد استدلال‌های معقول و محسوس خود را برای نفی آرای ماده‌انگاران و اثبات و ادراک روح بیان کند. او در مسأله بقای نفس از آرای ارسطو و افلاطون بهره می‌برد و به ایضاح مشرب آنان با ساده‌ترین و البته کاربردی‌ترین شیوه می‌پردازد. در این طریق، مسکویه دانسته‌های اخلاقی خود را به کار می‌بندد تا بتواند بدین وسیله جنبه‌های متعالی پیوند اخلاق، فلسفه و روان‌شناسی را متجلی سازد.

یکی از بهترین نمونه‌هایی که می‌توان در آن همه آموزه‌های مسکویه را یافت، کتاب *تهذیب الاخلاق* است. وی در این اثر برجسته به نقل از افلاطون، فلسفه را «تمرین مرگ ارادی» نامید و مطابق این رویکرد دو نوع حیات را معرفی کرد: نوع نخست، زندگی مطابق با عقل که همان حیات طبیعی است و نوع دوم، زندگی هماهنگ با ماده که حیات ارادی

است (مسکویه، بی تا: ص ۱۸۵). همو ضمن بیان این تقسیم بندی توضیح می دهد که مرگ ارادی به منزله خوار شمردن دنیا نیست و این عقیده نظر آنهایی است که دنیا را تخطئه می کنند. اینان گناه کارند؛ زیرا انتظار استفاده از خدمات دیگران را دارند بدون این که خود خدمتی را ارائه کنند و این ستمی بزرگ است. پاره ای وانمود می کنند که نیاز و خواسته های آن ها اندک است؛ اما نمی دانند که همین نیاز اندک مستلزم انجام کار و خدمات گروه بسیاری از مردم است؛ بنابراین، وظیفه هر انسانی است که از روی انصاف به دیگران خدمت کند. اگر به دیگران زیاد خدمت کرد می تواند انتظار خدمت متزاید دیگران را داشته باشد (همان، ص ۱۸۵).

در این تمثیل، افزون بر طرح حیات آرمانی به شیوه ای رسا به زندگی پس از مرگ و حیات سعادت مند بشر اشاره می کند و به بهترین وجه در سایه روان شناسی اجتماعی، وظایف عمومی مردم را یادآوری می کند.

آموزه های اخلاقی مسکویه

یکی دیگر از جنبه های علمی مسکویه که در بینش تاریخی او بسیار مؤثر بود، طرح مباحث و آرای اخلاقی با ملاحظاتی فلسفی است که ضمن بالا بردن شهرت و آوازه و صف ناشدنی او ... دامن زد. (فخری ماجد، ۱۳۷۲: ص ۲۰۴-۲۰۹ و شریف، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۶۶۸-۶۸۰ و نعمه، ۱۳۶۷: ج ۱). وی رساله بزرگ اخلاقی منظم و منضبط خود را تهذیب الاخلاق نام نهاد و هدف خود را از تالیف آن، پروراندن خصایل انسانی و صدور کردار نیک و طبیعی و بدون تکلف می داند (مسکویه، همان: ص ۱)؛ چه کوشش او همواره بر این بود تا انسان خوی نیکویی به دست آورد و او بهترین راه آموزش این صفات نیک را شناساندن نفس و ماهیت آن به آدمی می دانست؛ پس وی در این تلاش ابتدا به معرفی ماهیت نفس و روح پرداخت؛ سپس به کمال و تقویت و غایت آن اشاراتی کرد و در نهایت، او در این اثر با ترکیب آرای افلاطونی، ارسطویی و جالینوسی با شریعت اسلام کوشید تا مذهب فلسفی نو در اخلاق (R. Walzer, Rome, ۱۹۵۶) به نام فلسفه اخلاق اسلامی را بنا نهد (توماس، ۱۳۶۵: و حلبی، ۱۳۶۵: ص ۱۹۹).

یکی از تجلیات فلسفه اخلاق اسلامی مسکویه، اعلام آرای ثنوی او در زمینه سعادت و تحقق مادی و معنوی یا دنیایی و آخرتی آن است. مسکویه در جایگاه فیلسوفی مسلمان

اخلاق مدار می‌کوشد تا با ترکیب آرای بقراط، فیثاغورث، افلاطون و رواقیون و ارسطو و حتی نظریات پزشکان آناتومیسم معاصر خود، فضایل نفس را به همراه سعادت بدن به‌خوبی تشریح کند. او با ردّ نظریه کسانی که فقط رستگاری روح پس از مرگ را باور داشتند، می‌کوشد سعادت روح همراه با صحت بدن را به بهترین شیوه بیان کند. او در این بیان، هرگز سعادت روح را جدا از سعادت بدن نمی‌داند و بدن را جزئی از وجود آدمی تلقی کرده، بارها تأکید می‌کند که سعادت این جهان مادون سعادت آن جهانی است که خود ثمره تلاش‌های اخلاقی و معنوی انسان خواهد بود.

۱۲۹

هر چند مسکویه در بیان آرا و اندیشه‌های اخلاقی خود از نظریات اسلاف یونانی بهره فراوان جست، چارچوب و معیار خود را در موضوعاتی چون رفاقت و محبت انسان به خدا و هم نوع خود یا مبحث عدالت (مسکویه، همان: ص ۱۲۹) و عشق و مراتب آن که سراسر مبتنی بر آموزه‌های شرعی و مذهبی و متأثر از جهان بینی اسلامی است، از قرآن، سنت، سیره و حتی گفتار علی بن ابی طالب علیه السلام و حسن بصری گرفت. بهترین نمونه رسوبات مذهبی او در اشعار پرمایه‌ای که در متن آثار اخلاقی‌اش آمده، نهفته است.

بازتاب افکار فلسفی قوی و نظام اخلاق اسلامی گسترده وی بعدها در آثار دانشمندانی چون امام محمد غزالی تجلی و تبلور یافت و در جای جای اثر معروفش *احیاء العلوم الدین* از تهذیب اخلاق بهره بسیار برد تا جایی که به جرات می‌توان ادعا کرد فصل دوم کتاب مذکور به نام ریاضت نفس سراسر اقتباسی از کتاب تهذیب اخلاق مسکویه است (زکی مبارک، ۱۹۲۴: ص ۳۱-۴۹). استفاده مکرر خواجه نصیرالدین طوسی از مکتوبات اخلاقی و آمیخته‌های علمی و ابعاد تعلیمی مسکویه، مؤید روش و اسلوب برجسته وی در پردازش و تحلیل موضوعات اخلاقی است (خواجه نصیر الدین طوسی، ۱۳۲۰). همین تعالی بینشی باعث شد تا سایر مؤلفان کتاب‌های اخلاقی در ادوار بعدی نیز بی‌تأثیر از آثار مسکویه نیستند تا جایی که برخی از ایشان به صراحت اقرار می‌کنند از مکتوبات وی بهره کافی جستند*.

* علی اصغر حلبی در تاریخ تمدن اسلام، از شخصی به نام دوآلی (م ۹۰۷) نام می‌برد که اخلاق جلالی خود را از مواد اصلی کتاب طوسی اقتباس کرده است. حلبی، ۱۳۶۵: ص ۲۰۰.

آموزه‌های تاریخی مسکویه

مبتنی بر آموزه‌های فلسفی و اخلاقی ابوعلی مسکویه، وی را می‌توان در اصل مورخ و فیلسوفی اخلاقی دانست. برآیند نگاه فیلسوفانه و محققانه او، نگرش عمیق و هدفدار تاریخی است که به‌طور کامل با اسلافش تفاوت دارد. نگاه متفاوت او از جایگاه انسان و تعالی روح و کمال نفس و جسم باعث شده است تا وی افزون بر جنبه‌های تکوینی و مذهبی وقایع مبتنی بر جایگاه انسان و مقام او در تکامل جهان به خصوصیات عملی آن‌ها نیز بپردازد. به عبارتی، در نظر او، تاریخ بیشتر جنبه علمی، فلسفی و انتقادی دارد. با استناد به همین طرز تفکر، او مقدمه‌ای پربار بر تاریخ خود نگاشت که آینه‌ای تمام‌نما از آرا و دانسته‌های تاریخی و فلسفی و حتی اخلاقی او است. برخاسته از تبلور هوشمندی و نگاه فیلسوفانه به انضمام رویکرد استدلالی و اخلاقی باعث شد تا شالوده‌ اثر تاریخی او بر بنیان تجربیات گذشتگان برای استفاده کارگزاران، فرمانروایان، وزیران، سرداران، سپاهیان و قشرهای گوناگون مردم فراز آید (مسکویه، ۱۳۶۹: مقدمه، ص ۲). وی ناراضی از تاریخ‌های مکتوب زمانش، ضمن تقبیح مورخان سلف، آثار آنان را به بوتۀ نقد کشانده، با تاختن بر تاریخ‌های روایی، کتاب‌های تاریخی را مشحون از قصه پردازی، داستان‌های کسالت آور و خرافه می‌داند؛ بنابراین، کوشید تا ضمن فاصله گرفتن از قصه پردازی و داستان سرایی اسلافش فقط آنچه را برای عامه پندآمیز و عبرت آلود بوده برگزیند و با رویکردی انتقادی به جایگاه و نقش تاریخ و وظایف مورخ برای گزینش حوادث تاریخی مثمر ثمر و درج آن‌ها در کتاب تاریخ اشاره کند. با همین ملاحظه او معتقد است:

تاریخ داستانی سرگرم کننده درباره پادشاهان نیست؛ بلکه به منزله آینه‌ای است از بنیاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در زمان معین، تاریخ ثبت پیدایش تمدن‌ها و دولت‌ها است (مسکویه، ۱۳۶۹: مقدمه، ص ۲).

مطابق این رویکرد، وی باور دارد که برای تحقق این هدف، مورخ باید بی هیچ تردیدی خود را در برابر گرایش عمومی مبنی بر در هم آمیختن واقعیات و اضافه‌ها و شبه وقایع حفظ کند. به همین دلیل، در منظر او مورخ باید واقع بین، و در جمع آوری اطلاعات خویش روح انتقادی توأم با شک در واقعیات برای رسیدن به حقایق برداشته باشد.

همو معتقد است که مورخ نباید صرفاً به وصف حقایق خارجی قناعت کند؛ بلکه باید آن‌ها را با بینش فلسفی تبیین، و با توجه به علایق اساسی انسانی و عوامل علی، آن‌ها را

تفسیر کند. بنابراین به نظر او، مورخ وظیفه دارد صدفه و اتفاق و رویدادهای خارق العاده را از رخدادهای عادی و طبیعی جدا سازد و شاید همین وجه تمایز بارز باعث شده تا وی به بسیاری از اطلاعاتی که تاریخ نگاران عمومی چون طبری و مسعودی و یعقوبی ارائه داده‌اند، بی اعتنا باشد. او شک و عدم اعتماد به تاریخ‌های گذشته و مخدوش را نخستین گام خویش برای برگزیدن وقایع می‌داند.

روش انتقادی تاریخ نویسی مسکویه

نگاه نقادانه ابوعلی احمد به تاریخ و تأکید وی بر نوع خاصی از گزینش روایات یا رخدادهای تاریخی، روش و سبک نو را در تاریخ نگاری اسلامی آفرید که به روش انتقادی تاریخ شهره است. تفکر فلسفی مسکویه، در باره آغاز و انجام تاریخ یا کیفیت گزینش اطلاعات و اخبار و یا موضع انتقادی وی به حوادث تاریخی باعث شد تا او را فیلسوف انتقادی تاریخ بنامیم. حاصل حیات طولانی او که حدود یک قرن به طول انجامید، کتاب تجارب الامم است که نام آن، رویکرد علمی مسکویه در تدوین و تألیف علمی تاریخ را تأیید می‌کند.

دسته‌بندی اطلاعات و داده‌های تاریخی در دو بخش سودمند و ناسودمند مبین بعد معرفت‌شناسانه تفکر تاریخی ابوعلی احمد است. این دسته‌بندی در حالی صورت می‌گیرد که نویسنده به سختی قائل به تفکیک میان اخبار تاریخی است تا جایی که دسته‌ای را بر دسته دیگر ترجیح و به آسانی از آن دسته از اخبار به قولی زائد که جز تفریح و سرگرمی چیز دیگری نیست، چشم می‌پوشد. این جا این سوال اساسی مطرح می‌شود که چه اخباری در منظر مسکویه دارای اهمیت تاریخی است و قابلیت نقل تاریخی می‌یابد و کدام اخبار فاقد ارزش نقل تاریخند؟

چنان که از مقدمه مؤلف تجارب الامم به صراحت پیدا است، نخستین ملاک برتری رویدادهای تاریخی، پندآموزی و تجربه‌آوری آن‌ها است (مسکویه، ۱۳۶۹: مقدمه). رویدادهایی که ویژگی تکرار پذیری و مشابهت دارند می‌توانند در تاریخ او جایی برای بیان و ابراز داشته باشند و برعکس مطالب زاید و بی‌مایه که جز سرگرمی و اطاله و خرافات نیست، جایی در تاریخ او ندارند؛ به همین دلیل او به حوادث نادر و بی‌نظیر بی‌توجه بوده و چون قابلیت تکرار نداشته‌اند، آن‌ها را مقطعی و زودگذر بدون کمترین

اهمیت خبری برای درج در کتاب تاریخ دانسته است. در تأکید این مطلب، همو در مقدمه تجارب الامم می‌نویسد:

من چون سرگذشت مردمان و کارنامه شاهان را ورق زدم و سرگذشت کشورها و نامه‌های تاریخ را خواندم، در آن چیزهایی که می‌توان از آنها در آنچه ماندش همیشه پیش می‌آید و همتایش پیوسته روی می‌دهد پند گرفت (مسکویه، ص ۵۱ و ۵۲).

همو در ادامه می‌افزاید:

رویدادهایی از این دست که آدمی به یاد می‌سپرد، گویی همگی آزموده خود او است. گویی خود بدان‌ها دچار آمده و در برخورد با آن‌ها استوار شده است. گویی خود در هنگام آن‌ها زیسته و خود با آن‌ها روبه‌رو بوده است و سپس دشواری‌های خویش را چون مردی کاردان پذیره شود و پیش از روی دادن باز شناسد و همواره و برابر چشمان و در دیدگاه خویش بدارد و با آن‌ها هم با همسان و همانندشان روبرو گردد (مسکویه، ۱۳۶۹: ص ۵۲).

بنابراین در منظر مسکویه، این گونه اخبار پندآموز و رویدادهای عبرت آور تاریخ که مشابه و همتای آن‌ها در تاریخ به وقوع می‌پیوندد، به تأیید او، در تاریخ جای طرح دارند. این موارد عبارتند از:

۱. گزارش آغاز دولت‌ها (همان: ۵۱)،
۲. روی کار آمدن پادشاهان (همان)؛
۳. رخنه‌هایی (الخلل) که در امور شاهان رخ داده است (همان: ص ۵۲)؛
۴. کارسازی* کسانی که در آن رخنه‌ها چاره کرده‌اند تا این رخنه‌ها ترمیم شود (همان)؛
۵. سستی کسانی که از این رخنه‌ها بازمانده‌اند و رهایش کرده تا کارشان به سستی کشیده است (همان: ص ۵۱)؛
۶. تلاش در آباد کردن کشور (همان: ص ۵۲)؛
۷. یک رای و یک سخن کردن مردم (همان)؛
۸. راست آوردن پندار سپاهیان (همان)؛
۹. فریب‌های جنگی و نیرنگ‌های مردان که گاه به زیان دشمن انجامید و گاه به زنده نیرنگ باز می‌گشت (همان)؛
۱۰. آنچه باعث شد تا گروهی نزد شهرباران بدان پیش افتند؛

*.الاتفاق/کارسازی والحیل/ترفندها و ناره ها والمکاید الرجال / نیرنگهای مردان

۱۱. آنچه باعث شد تا گروهی بدان وا پس مانند؛

۱۲. آنچه در آغاز پسندیده بود، اما فرجامی ناستوده داشت (همان)؛

۱۳. آنچه برعکس این بود یا آغاز و انجام آن یکسان بود؛

۱۴. گزارش شیوه‌های وزیران و سرداران (همان)؛

۱۶. گزارش کسانی که در امور ذیل دخالت داشته‌اند (همان).

ا. جنگ

ب. رام کردن مردم

ج. چاره کردن کاری

د. نگاه‌داری استانی

بدیهی است مسکویه در گزینش و ثبت این گونه اطلاعات و اخبار تاریخی با انبوهی از اساطیر و داستان‌های وهم آلود و تخیلات مخدوش کننده حقیقت مواجه بوده است. مطابق آموزه‌های علمی، او به خوبی تفاوت میان اسطوره و حقیقت را می‌دانست؛ بنابراین، افسانه‌های بی‌اعتبار و فاقد سند را با تفسیر فلسفی و اخلاقی که خود بدان آراسته بود، وانهاد و طبق تحلیلی که در مقدمه تجارب الامم ارائه کرده، از ذکر این حوادث صرف نظر کرده است؛ چنان‌که در تدوین کتاب تاریخی‌اش ره اسلاف را نیم‌مود و از ذکر وقایع پیش از طوفان نوح به دلیل عدم اعتماد به آن‌ها چشم پوشید. (همان: ص ۵۳). این رویکرد علمی او مؤید روش تاریخی او است که بر دو اصل تعلیل و انتقاد استوار است.

با تعریفی که او از سودمندی تاریخ ارائه می‌دهد، اطلاعات و اخباری که دارای این امتیازات و ویژگی، باشند در تاریخ تجربه ملت‌ها جایی ندارند.

۱. خواب آور و وهم آلود باشند؛

۲. سرگرم کننده و خرافه آمیز باشند؛

۳. تباه کننده گزارش‌های صحیح باشند.

۴. در طول تاریخ بی‌همتا باشند.

۵. بدون تکرار باشند.

۶. به دلیل عدم تکرار از یاد رفتنی باشند.

افزون بر این، وی در پایان به این فهرست موارد دیگری را نیز می‌افزاید که او هرگز

آن‌ها را در تاریخش نیاورده؛ از جمله:

۱. حوادث پیش از طوفان نوح به این دلیل که به صحت اخبار آن نمی‌توان دل بست (همان)؛
 ۲. معجزه‌های پیامبران به دلیل عدم تکرار آن‌ها و از جمله این‌که مردم در این گونه پیش آمدها به دلیل عدم تکرار آن نمی‌توانستند عبرت بگیرند (همان: ص ۱).
- هرچند او در پایبندی به این چارچوب همواره کامیاب نیست و گاه تحت تأثیر گرایش‌های ملی از این اعتقاد عدول کرده، تاریخ و اسطوره را در بازمینی تاریخ ایران پیش از اسلام در هم می‌آمیزد؛ چنان‌که در پرداختن به تاریخ سلاطین ایران قبل از اسلام با وسواس و دقت بسیار گزارش‌هایی را ثبت کرده است که در تاریخ اسطوره‌ای ایران جا دارد. افزون بر این به‌رغم نفی تاریخ روایی و وصفی برخاسته از افسانه یا حکایت در منظر مسکویه در ثبت اخبار مربوط به ایران در دوره خلافت امویان یا عباسیان، اشتیاق فراوانی از خود نشان داده و همه چیز را با جزئیات آن ثبت کرده است. حال آن‌که در پرداختن به زندگی واپسین پیامبر الاهی یعنی حضرت رسول اکرم ﷺ یا کیفیت سیره و اعمال وی و حتی ثبت چگونگی احوال مسلمانان در دوره‌های بعد، طریق اختصار را پیش گرفته و فقط به موارد بسیار جزئی بسنده کرده است. این‌که به صرف عدم تکرار وقایع عصر نبوت می‌توان ویژگی‌های آن را نادیده انگاشت یا بخش بزرگی از تاریخ اسلام که همانا عصر بعثت و تنزیل است را در زمره تاریخ ندانست، موضوعی است که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

غایت شناختی تاریخی مسکویه

هدف‌مندی سیر وقایع تاریخ و فهم غایت‌مندی آن در نگاه نقادانه مسکویه به تاریخ، به خوبی مشهود است. نظم وقایع تاریخی منطبق بر مشیت الاهی و کوشش او برای تفسیر تاریخ بر اساس غایت و غرض، شیوه و نوع نگرش مورخ مسلمان به رخدادهای تاریخی است. در منظر مسکویه، تاریخ هرگز مجموعه‌ای از رخدادهای جدا از هم و ایستا نیست؛ بلکه رویدادهای تاریخی مبین نوعی هدف متعالی و عام هستند که هریک برای پندآموزی جوامع بشری مؤثرند.

او با پایبندی به سیر تکوینی و مذهبی وقایع مبتنی بر جایگاه والای انسان با حفظ کرامت او می‌کوشند به جنبه علمی - فلسفی و انتقادی تاریخ و سیر تکوینی رخدادهای آن پردازد. او واحد مطالعه تاریخ را فرد یا جامعه به تنهایی نمی‌داند؛ بلکه در منظر او تاریخ ثبت‌پیدایی تمدن‌ها و دولت‌ها است (همان: ص ۵۳).

بنابر همین اصل، سبک تاریخ نگاری مسکویه و نیز درایت وی در گزینش اخبار و رخدادهای تاریخی وی مورد ستایش بسیاری از محققان معاصر قرار گرفته است؛ چنان که روزنتال می‌نویسد:

[مسکویه] در تاریخ نویسی بر پایه‌ای بلند ایستاده است. کم پیش می‌آید که وی به گزارش‌های بی‌ارزش تاریخ ارجح نهد. آنچه را که دارای ارزش تاریخی است، به خوبی باز می‌شناسد و روایات تاریخ را با سامانی خرد پذیر باز می‌گوید و پیوندی را که میان حوادث وجود داشته، به خواننده‌اش باز می‌نمایاند (روزنتال، ۱۳۶۴ش).

دکتر زریاب خویی هم مکانت ابوعلی را ستوده، می‌گوید:

اما تنها کسی که در این باب استدلال حکیمانه و فلسفی کرده و دید اخلاقی و پراگماتیک داشته و جابه‌جا در کتاب خود به موارد تجربه و فواید علمی اشاره کرده است مسکویه است. وی قایل به اصالت عمل و اصالت تجربه است (زریاب خویی: ص ۱۸۱).

اقرار عبدالحسین زرین کوب بر رویکرد فلسفی مسکویه در تدوین تاریخ شایان توجه است. وی در تأیید این مطلب چنین نوشت:

و به تعبیر دیگر، وی که در فلسفه به‌عنوان حکیم اخلاقی مشهور است، در تاریخ مولف کتاب حکیمانهای است به‌نام تجارب الامم. نام کسانی چون ابوعلی مسکویه (۳۲۰-۴۲۱ه)، رشیدالدین فضل‌الله (۶۴۵-۷۱۸ه) و ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۶ه) را می‌توان به‌عنوان پیشگامان فلسفه تاریخ یاد کرد (زرین کوب: ۱۳۷۵: ص ۷۱-۷۳).

ارزیابی تاریخ‌نگاری مسکویه

در یک بررسی کلی و با مذاقه در اثر تاریخی مسکویه می‌توان نحوه و سبک نگارش و نوع نگرش او را این گونه تصویر کرد.

۱. مسکویه از روش مورخان عمومی نگار سلف خود چون یعقوبی و طبری پیروی نکرد. به عبارتی، سبک نویسندگان پیش از او ثبت رخدادهای توأم با روایات گوناگون به همراه سلسله راویان آن‌ها بود؛ اما مسکویه در اثر خود به گزینش اخبار و رویدادهای مهم تاریخی با رویکردی هدفمند که با ملاک عبرت آموزی و تجربه اندوزی بود، مبادرت ورزید و فقط به گزارش‌هایی از این دست بسنده کرده.

۲. ابوعلی از جمله معدود نویسندگانی است که افزون بر سیر در ورای حوادث و علت جویی آنان به خوبی مرز میان دیدن و نقل حوادث را می‌دانسته است. وی با بهره‌گیری از عنصر عقل و استدلال منطقی در بررسی تاریخی می‌کوشد از متقدمان و معاصران خود

فاصله بگیرد تا جایی که این فاصله به برتری وی نیز می‌انجامد. به عبارتی دیگر، به دلیل احاطه وی به علوم فلسفی، مباحث اجتماعی و تا حدود بسیاری روان‌شناسی و پزشکی می‌کوشد به تحلیل ساختارها و عملکردهای جوامع و همچنین خلفا و حکما و پادشاهان بپردازد و اعمال و افعال آنان را تحلیل و روان‌کاوی کرده، به خوانندگان خود ارائه دهد. برای نمونه در ابتدای *تجارب الامم* که از پیشدادیان سخن می‌راند، آورده است که شهریاران نخستین کسی که نام و شیوه‌اش در نامه‌ها ماند اوشهنگ است. من از وی و شهریارانی که پس از او آمده‌اند، پیاپی و به سامان یاد خواهم کرد؛ پس اگر از ایشان یکی را شیوه‌ای ستوده یا تدبیری پسندیده باشد از آن و چیزهای دیگری که یاد کرد آن در سرآغاز به گردن گرفته‌ام، نام خواهم برد و هرکه را شیوه‌ای بر جای نمانده باشد، به آوردن نام وی پسندم می‌کنم تا سامان تاریخ برهم نخورد (مسکویه، ۱۳۶۹: ص ۵۵).

۳. آشنایی مسکویه به علوم و معارف ایرانی، عربی، یونانی، هندی و استفاده از منابع فراوان و متنوع به دلیل موقعیت علمی او در دربار آل بویه* و حضور فعال و چشمگیر در مراکز علمی و فرهنگی آن روزگار چون ری، به برتری کتاب *تجارب الامم* بر سایر منابع هم عصرش دامن زد.

۴. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های کتاب *تجارب الامم* نامی پر مسما است که مؤلف برای آن برگزید و به ظاهر تا به آن روز چنین نامی بی‌سابقه بوده است. از آن‌جا که مؤلف آن شرط به دست آوردن تجربه را نه خواندن رویدادهای تاریخی بلکه تعمق و دقت در علل و اسباب وقوع حوادث می‌دانسته، عنوان *تجارب الامم* را برای تصنیف خود برگزید (همان: ص ۵۲ و ۵۳).

۵. از جمله ویژگی‌های مهم دیگر *تجارب الامم* شمولیت آن بر اطلاعات و اخباری است که در دیگر منابع این عصر امکان دستیابی به آن‌ها محدود است. معاصر بودن ابوعلی احمد با آل بویه و همچنین شغل دیوانی یا کتابداری دربار ایشان، بسیاری از امتیازها را برای او فراهم ساخت. هرچند مشاهدات و تجربیات گرانقدر مسکویه به انضمام اندیشه

* به دلیل تصدی وی در منصب دیوان مالی و خزانه داری بویهیان یا کتابداری، او را ابوعلی خازن نامیده‌اند. رک: خواجه نصیرالدین طوسی: *اخلاق ناصری*، ص ۳۵ و یاقوت حموی: *معجم الادب*، ج ۵، ص ۵ و محمدعلی مدرس، *ریحانة الادب*، فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب یا کنی و القاب، تهران: خیام، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۷.

وی در گزینش اخبار باعث شد تا یکی از بهترین منابع آل‌بویه به شمار آید. افزون بر این، تجارب الامم مشحون از نام دیوان‌ها و اصطلاحات اداری، دیوانی و مالی است که در اعصار گذشته یا دوره‌های نزدیک به زمان مولف رایج بوده است. همچنین ضبط واژه‌های فارسی که به زبان عربی راه یافته بود چون بیمارستان، دربان، دیده‌بان هم می‌تواند از مزایای مهم این اثر گرانبها باشد.

۶. یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگری مسکویه، ایجاد ارتباط نزدیک و گاه تطبیق مبانی تاریخ و فلسفه است. او از فلسفه اخلاقی چارچوبه‌ای محکم بنا نهاد و آن را در متن کار خود قرار داد و حوادث تاریخی را با آن‌ها تحلیل کرد. هرچند سایر آثار او نیز بیشتر تلفیقی او حکایت دارد، آنچه حائز اهمیت است، این است که او برای تفسیر تاریخ از فلسفه، و برای تفسیر فلسفه از تاریخ کمک گرفت.

۷. مسکویه در تألیف تجارب الامم هرگز از مسائل اجتماعی یا موضوعات اقتصادی و مالی و درج آن‌ها کنار سایر رخدادهای تاریخی غافل نبود. درک دقیق و بجای وی از پیوند میان علل اقتصادی یا اجتماعی با وقایع تاریخی، زمینه‌های توجه متزاید او را به سایر موضوعات مداخله‌گر افزود. بر همین اساس، تجارب الامم محدود و منحصر به رویدادهای تاریخی نیست؛ بلکه در آن مجموعه‌ای از اطلاعات اقتصادی، مالی، دیوانی یافت می‌شود که در نوع خود کم‌نظیرند (همان: ص ۱۶۶-۱۶۷-۱۷۰-۱۷۱ و...)

۸. علاقه مسکویه به وطن و قلبان حس ناسیونالیستی و ملی‌گرایی او باعث شد تا کانون توجه وی به تاریخ ایران (قبل و بعد از اسلام) باشد (روزنتال، ۱۳۶۴: ص ۶۴). بدین ترتیب، بر عکس معاصرانش که به‌طور عمده پیرو مکتب بلخی یا بغدادی بوده و کانون توجهشان به حرمین شریفین یا بغداد بود، کتاب تاریخ خود را با پیشدادیان آغاز کرد (مسکویه، ۱۳۶۹: ص ۵۵). افزون بر این، او در هر جای کتاب که ضرورت می‌دانست به فراخور حال از ایران و رویدادهای مربوط به آن سخن می‌راند.

۹. یکی از موارد ضعف کتاب تجارب الامم، گزینش اطلاعات ناقص و مختصر از زندگی و سیره نبی اکرم ﷺ است، چنان‌که مسکویه ضمن حذف عصر سیزده سالهٔ مکی، فقط به مواردی چون غزوه خندق (همان: ص ۲۲۹-۲۳۴) و حنین (همان: ص ۲۳۴-۲۳۶، یا کارسازی پیامبر ﷺ با اسود عنسی (همان: ص ۲۳۷-۲۴۲) و نام دبیران ایشان (همان: ص ۲۴۲ و ۲۴۳) اشاراتی موجز و کم اهمیت دارد. حال آن‌که چنان‌که نظر می‌رسد

مطالب در خور توجه بسیاری در سیره پربار رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت که جای تامل و دقت بیشتری را برای شخصیتی چون مسکویه می‌طلبید. این در حالی است که همو با وسواس و دقت فراوان، عصر خلفای راشدین به ویژه خلافت عمر بن خطاب را که با فتوحات ایران ارتباط مستقیمی داشت، به دقت و با جزئیات نقل کرده و از جنگ‌های عرب‌های مسلمان با ایرانیان به تفصیل سخن رانده است (همان: صص ۲۷۲-۲۸۶ و ۲۸۸-۳۷۲).



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع و مأخذ

۱. الامین، السید محسن، *أعیان الشیعه*، حقه وخرجه حسن الامین، بیروت، دار المعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق، ج ۵.
۲. ابن اصیبه، موفق الدین ابوالعباس احمد بن القاسم، *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*، شرح و تحقیق رضا نزار، بیروت، دار المکتبه الحیاة، ۱۹۶۵م.
۳. توماس، هنری، *بزرگان فلسفه*، فریدون بدره‌ای، تهران، کیهان، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ش.
۴. حلبی، علی اصغر، *تاریخ تمدن اسلام*، بررسی‌هایی چند در فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۵ش.
۵. الحموی، یاقوت، *معجم الادباء*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۵.
۶. خوانساری، محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء السادات*، تهران، اسلامیه، ۲۵۳۶.
۷. دی بور، ت.ج، *تاریخ فلسفه در اسلام*، عباس شوقی، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۲ش.
۸. روزنتال، فرانتس، *تاریخ تاریخ نگاری اسلامی*، اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۴ش.
۹. زرکلی، الاعلام، *قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶م، ج ۱.
۱۰. زریاب خوبی، *مجموعه مقالات، گوشه‌ای از سیمای تاریخ تحول علوم در ایران*، مقاله مورخان ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات وزارت علوم.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵ق.
۱۲. زکی مبارک، *اخلاق عند الغزالی*، القاهره، دارالکتاب، ۱۹۲۴م.
۱۳. سجستانی، ابوسلیمان محمدبن طاهر، *صوان الحکم و ثلاث رسائل*، حقه و قدم له عبدالرحمن بدوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۹۷۴م.

۱۴. شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، نصرالله پور جوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاه، ۱۳۶۲ش، ج ۲.
۱۵. _____ منابع فرهنگ اسلامی، خلیل خلیلیان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش.
۱۶. صفای، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران،
۱۷. طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، تهران، ۱۳۲۰ش.
۱۸. _____ اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۰ش.
۱۹. فخری ماجد، سیر فلسفه در جهان اسلام، مرتضی اسدی، تهران، نشر دانشگاه، ۱۳۷۲ش.
۲۰. القفطی، اخبار العلماء و تاریخ الحكماء، مصر، بی نا، ۱۳۲۶ق.
۲۱. مسکویه، احمد بن محمد، تجارب الامم، ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۶۹ش.
۲۲. _____ تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قدم له الشیخ حسن نعیم، اصفهان، مهدوی، بی تا.
۲۳. _____ جاویدان خرد، شرف الدین عثمان بن محمد قزوینی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ش.
۲۴. _____ جاویدان خرد، تقی الدین محمد شوشتری، به اهتمام بهروز ثروتیان، تهران، موسسه مطالعات اسلامی مک گیل، ۱۳۵۵ش.
۲۵. نسخه خطی تهران فهرست کتابخانه مجلس ج ۲ شماره ۶۳۴ رقم.
۲۶. مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، فی تراجم المعروفین بالکتبه و اللقب یا کنی و القاب، تهران، خیام، بی تا، ج ۸.
۲۷. نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، جعفر غضبان، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷ش، ج ۱.
۲۸. Melanes Ievi dellavida, Some Aspects of Miskawaih's Tahdhib al Akhlaq, Rome, ۱۹۵۶, R. Walzer
۲۹. Khwoja Abdoul Hamid: Ibn Miskawaih, Lahore, ۱۹۴۳.